

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده اسلام تمدنی)

مدیر مسئول: دکتر سید علیرضا واسعی

سرمدیر: دکتر سید حسین سیدی

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: هوشنگ استادی

ویراستار: هوشنگ استادی

کارشناس بخش انگلیسی: دکتر سید محمدجواد سیدی

صفحه آرایی: سید حجت جعفری

طراحی جلد: علی توفیق

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب - ۳۶۶۶۱۱۱۴-۰۲۵

نشانی فصلنامه: مشهد مقدس، چهارراه خسروی، خیابان شهید رجایی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، پژوهشکده اسلام تمدنی

کد پستی: ۹۱۳۴۶۸۳۱۸۷ - تلفکس: ۰۵۱-۳۲۲۱۸۱۰۵

رایانامه: [jrla@isca.ac.ir](mailto:jrla@isca.ac.ir)

نشانی سامانه: <http://jrla.isca.ac.ir>

این نشریه حاصل فعالیت مشترک پژوهشکده اسلام تمدنی و انجمن علمی نقد ادب عربی ایران است.  
مقالات فصلنامه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به آدرس [ecc.isc.gov.ir](http://ecc.isc.gov.ir) پایگاه سیویلیکا، جهاد  
دانشگاهی (SID) نورمگز و مگیران نمایه شده است.



## اعضای هیئت تحریریه

- ۱- دکتر ابوالحسن امین مقدسی (دانشیار دانشگاه تهران)
- ۲- دکتر غلامرضا پیروز (دانشیار دانشگاه مازندران)
- ۳- دکتر محمد خامه گر (استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشکده اسلام تمدنی)
- ۴- دکتر رقیه رستم‌پور ملکی (دانشیار دانشگاه الزهراء)
- ۵- دکتر حجت رسولی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
- ۶- دکتر سید حسین سیدی (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۷- دکتر علی‌باقر طاهری‌نیا (استاد دانشگاه تهران)
- ۸- دکتر جهانگیر مسعودی (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۹- دکتر سید علیرضا واسعی (دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشکده اسلام تمدنی)

## ارزویایان و مشاوران علمی این شماره

- ۱- دکتر عباس اقبالی، دانشیار دانشگاه کاشان
- ۲- دکتر علی اسودی، استادیار دانشگاه خوارزمی تهران
- ۳- دکتر طاهره ایشانی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۴- دکتر سید عدنان اشکوری، استادیار دانشگاه خوارزمی تهران
- ۵- دکتر رسول بلاوی، دانشیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۶- دکتر علی خضری، استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۷- دکتر تورج زینی‌وند، دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه
- ۸- دکتر سید حسین سیدی، استاد دانشگاه دانشگاه فردوسی مشهد
- ۹- دکتر حسین شمس‌آبادی، دانشیار دانشگاه حکیم سبزواری
- ۱۰- دکتر شاکر العامری، دانشیار دانشگاه سمنان
- ۱۱- دکتر عبدالاحد غیبی، دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
- ۱۲- دکتر ابراهیم فلاح، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
- ۱۳- دکتر عباس گنجعلی، دانشیار دانشگاه حکیم سبزواری
- ۱۴- دکتر حسن مجیدی، دانشیار دانشگاه حکیم سبزواری
- ۱۵- دکتر سودابه مظفری، استادیار دانشگاه خوارزمی تهران
- ۱۶- دکتر ندا یانس، مدرس دانشگاه چرخ نیلوفری آذربایجان

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش و تنظیم و ارسال مقالات

### الف- ضوابط کلی و محتوایی:

- ۱- مقاله ارسالی جهت چاپ در فصلنامه باید دارای محتوای علمی - پژوهشی باشد.
- تبصره ۱: ترجمه مقاله اگر همراه با نقد جامع علمی باشد می‌تواند در نشریه علمی-پژوهشی درج شود.
- ۲- لازم است نویسنده یا نویسندگان مشخصات دقیق خود را شامل: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مؤسسه متبوع، شماره تلفن تماس، نشانی دقیق پست الکترونیکی e-mail در صفحه‌ای جداگانه ارسال کنند (در صورت ارسال از طریق سامانه فصلنامه، نیازی به آن نیست).
- ۳- در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، نویسنده مسئول مشخص گردد.
- تبصره ۲: چنانچه نویسنده مسئول مشخص نشده باشد، ارائه مقاله و تمام مکاتبات و مسؤولیت مقاله با نویسنده اول است.
- ۴- مقاله قبلاً منتشر نشده و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد. ضمناً مقاله‌های ارسالی، نباید هم‌زمان به فصلنامه‌های دیگر ارائه شوند.
- ۵- چنانچه مقاله‌ای برگرفته از پایان‌نامه یا طرحی تحقیقاتی باشد، یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- ۶- مسؤولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ علمی و حقوقی به عهده نویسنده است.
- ۷- حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقاله‌ها برای مجله محفوظ است.
- ۸- تأیید نهایی مقاله برای چاپ در فصلنامه، پس از نظر داوران با هیأت تحریریه فصلنامه است.

### ب- ضوابط ساختاری و نگارشی:

- ۹- حجم مقاله حداکثر ۲۶ صفحه، و هر صفحه ۲۵۰ کلمه، دارای حداکثر ۲۴ خط باشد.
- ۱۰- مقاله بر یک روی کاغذ A4 با نرم‌افزار Word و قلم B Compset فونت ۱۲ حروفچینی شود. با حاشیه بالا و پایین ۵، چپ و راست ۴/۵ و میان سطور ۱ سانتی‌متر، و چکیده، پانویس و منابع با همان قلم و اندازه ۱۱ باشد. قلم انگلیسی Times New Roman با یک فونت کم‌تر از قلم فارسی و قلم عربی B Badr با یک فونت بیش‌تر تایپ شود.
- ۱۱- هر مقاله باید دارای بخش‌های زیر باشد:
  - ۱-۱۱. عنوان مقاله؛ ناظر بر موضوع پژوهش و کوتاه و رسا باشد.
  - ۲-۱۱. چکیده: حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی که در بردارنده شرح مختصر و جامع محتویات نوشتار؛ شامل بیان مسأله؛ هدف؛ ماهیت پژوهش و نتیجه باشد.

۱۱-۳. کلید واژه؛ هر مقاله باید دارای حداقل ۴ و حداکثر ۷ کلیدواژه باشد.

۱۱-۴. مقدمه؛ به تبیین موضوع مقاله، ارتباط آن با پژوهش‌های قبلی و جهات نوآوری آن در راستای حل مشکلات موجود می‌پردازد.

۱۱-۵: متن اصلی: بخش اصلی مقاله است که باید پاراگراف‌بندی شده و هر پاراگراف دارای موضوعی خاص باشد.

۱۲- نتیجه؛ حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه و دربردارنده جمع‌بندی و خلاصه مهم‌ترین مسایل مطرح شده در مقاله است.

۱۳- منابع: منابع مقاله، به ترتیب حروف الفبا مرتب شده (ابتدا منابع فارسی و عربی، سپس انگلیسی) و در انتهای مقاله آورده شوند. لازم است تمام مراجع در متن مقاله مورد ارجاع واقع شده باشند.

### ج- ارجاعات:

۱۴- ارجاعات درون‌متنی؛ منابعی که در متن اصلی مقاله مورد ارجاع قرار می‌گیرد:

۱۴-۱: در صورت نقل قول مستقیم از منبعی، ابتدا و انتهای مطلب باید میان دو گیومه قرار گیرد. در نقل به مضمون نیازی به گیومه نیست.

۱۴-۲: ارجاعات داخل متن شامل نام خانوادگی نویسنده؛ سال نشر؛ شماره جلد و صفحه (مثال: ۳۵/۱)

۱۴-۳: در صورت ارجاع به چند اثر از یک مؤلف سال انتشار نیز پس از نام مؤلف ذکر شود.

۱۴-۴: چنانچه نویسنده‌ای دارای دو یا چند اثر چاپ شده در یک سال باشد به صورت (نام مؤلف، سال انتشار حروف الفبا: ا-ب-ج و ...، جلد/ صفحه) ارجاع داده می‌شود: طوسی، ۱۳۵۹، ب، ۴۵۲ و طوسی، ۱۳۵۹، ج، ۱۲۵.

**تبصره ۳:** در صورتی که اثری دارای بیش از سه نویسنده باشد، پس از نام نخستین نویسنده، عبارت «دیگران» برای آثار فارسی و عبارت «et al.» یا «and others» برای آثار انگلیسی قرار می‌گیرد. ۱۴-۵: دو یا چند استناد درون‌متنی در کنار یکدیگر در یک جفت پرانتز، با علامت نقطه ویرگول از هم جدا می‌شوند.

۱۴-۶: ارجاعات توضیحی، مانند صورت لاتین کلمات در پانویس و شرح اصطلاحات و مانند آن در پی‌نوشت آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مثل متن مقاله روش درون‌متنی خواهد بود).

۱۴-۷: در مواردی که بلافاصله یا با فاصله از ذکر منبع اصلی - اگر ذکر منبعی دیگر موجب ابهام یا عدم شناسایی منبع مورد ارجاع نگردد - به همان منبع ارجاع داده شود و از کلمه همان و شماره

صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد، با همان شرط یادشده، از واژه همان استفاده شود.  
۱۴-۸- در ارجاعات آیات درون مقاله این گونه عمل می‌شود: اصل آیه، شماره سوره و آیه: (۶۵/۱)، ترجمه فارسی آیه.

#### ۱۵- شیوه ارجاع منابع پایان مقاله

۱-۱۵: کتاب‌ها: نام خانوادگی / شهرت، نام؛ (سال انتشار)، عنوان کامل اثر به صورت ایرانیک یا ایتالیک (عنوان اصلی با دو نقطه از عنوان فرعی جدا شود)، مترجم / ویراستار / گردآورنده: نام و نام خانوادگی، ویرایش (در صورتی که نخستین ویرایش نباشد)، نوبت چاپ، جلد، محل انتشار: ناشر.  
تبصره ۴: در آثاری با بیش از دو نویسنده تنها نام نویسنده اول معکوس می‌شود و نام نویسندگان دوم به بعد به صورت طبیعی پس از یک ویرگول و حرف ربط «و» پیش از نام نویسنده آخر می‌آید.  
تبصره ۵: در صورت عدم وجود تاریخ نشر، از لفظ «بی‌تا» و در صورت عدم وجود محل نشر از لفظ «بی‌جا» و در صورت عدم وجود ناشر، از لفظ «بی‌نا» استفاده شود.

۲-۱۵: مقالات: نام خانوادگی / شهرت، نام، (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله درون گیومه، نام مجله به صورت ایرانیک یا ایتالیک، محل نشر، دوره، شماره، ماه / فصل انتشار، شماره صفحات مربوط به مقاله.  
تبصره ۶: برای ذکر صفحات متوالی از صص استفاده می‌شود؛ مانند صص ۲۵-۲۸ و برای صفحات متناوب از ص؛ مانند ۴۳ و ۴۷ و ۵۰)

۳-۱۵: پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان پایان‌نامه به صورت ایرانیک یا ایتالیک، نام دانشگاه، سایت اینترنتی که پایان‌نامه مذکور در آن در دست‌رسی می‌باشد.  
۴-۱۵: سایت اینترنتی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار و یا روز آمدن شدن)، عنوان مطلب درون گیومه، آدرس سایت به صورت کامل.

۵-۱۵: پایان‌نامه و سایت اینترنتی جداگانه ذکر نمی‌گردد؛ بلکه در ترتیب الفبایی فهرست منابع و مآخذ آورده می‌شود.

۶-۱۵: همه متون عربی اعم از آیات قرآن، نهج البلاغه، احادیث و جز آن‌ها باید به طور کامل و درست اعراب‌گذاری شود.

# فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی

سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار ۱۳۹۹

## فهرست مطالب

- |   |     |
|---|-----|
| • کارآیی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل<br>عزت ملاابراهیمی، زهرا رضایی   | ۹   |
| • واکاوی وجوه معنایی دو حرف «لَا» و «لَنْ» در قرآن کریم<br>عبدالاحد غیبی، حسن اسماعیل زاده، محمدطاهر مطهر، احمد پوردرویش                    | ۳۱  |
| • روش و گرایش‌شناسی تفسیر پرتوی از قرآن در آیات جزء سی‌ام<br>(با رویکرد خاص به موسیقی و ایقاعات)<br>حسن شربتدار                             | ۵۱  |
| • بررسی مضامین مشترک در نهج البلاغه و التوسل إلى التوسل<br>سودابه مظفری، فرزانه فتاحیان   | ۷۹  |
| • معناشناسی واژه «مریة» و مشتقات آن در قرآن کریم بر اساس نظریه ایزوتسو با نقدی<br>بر ترجمه مکارم شیرازی<br>علی اکبر نورسیده، ابوالفضل ترابی | ۱۰۳ |
| • بررسی تطبیقی مباحث و مناقب امام رضا <small>علیه السلام</small> در شعر معاصر فارسی و عربی<br>سید مهدی نوری کیدفانی، مهین ظهیری             | ۱۲۵ |
| • مقایسه سبک‌شناسی ترکیب بند آذری اسفراینی و محتشم کاشانی<br>حیدرعلی شکاکی  | ۱۴۷ |



شماره هفدهم فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی



## کارآیی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل

عزت ملا ابراهیمی<sup>۱</sup>

زهرا رضایی<sup>۲</sup>

### چکیده

انسجام به سازوکار درون‌متنی زبان گفته می‌شود که سخن‌ور را در ایجاد و برقراری ارتباط در هر جمله یا بین جملات یاری می‌دهد، به عبارت دیگر انسجام به روابط ساختاری / واژگانی متن اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر به بررسی کمی انسجام و پیوستگی متن بر اساس الگوی مایکل هالیدی و نظریه مکمل رقیه حسن با عنوان هماهنگی انسجام در سوره مبارک «مزمل» پرداخته شده است. از نتایج این پژوهش استنباط می‌شود که در این سوره انواع عوامل انسجامی در هر سه سطح وجود دارد: «انسجام واژگانی» که شامل انواع تکرار (لفظی، معنایی، ساختار ترکیبی و آوایی) و انواع باهم‌آیی (مراعات نظیر، تضاد) است؛ «انسجام دستوری» که شامل انواع ارجاع، جایگزینی و حذف است؛ «انسجام پیوندی» که همان حروف ربط هستند. از رهگذر این پژوهش می‌توان به پیوند ارگانیک و اندام‌وار میان اجزای سوره پی برد که راهی برای شناخت اعجاز قرآن است.

**واژگان کلیدی:** سوره مزمل، انسجام واژگانی، انسجام دستوری، انسجام پیوندی، نظریه هالیدی و حسن.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول mebrahim@ut.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران rezaee.zahra@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

## مقدمه

انسجام معیاری است که از ارتباط درونی بین کلمات و مفاهیم داخل متن حاصل می‌شود و پیوستگی مفاهیم و ارتباط آن‌ها و اتصال جمله‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. (مصلوح، ۱۹۹۱: ۱۵۴). برخی از محققان عرب، انسجام را ابزاری در راستای استمرار صوری متن معرفی می‌کنند و انسجام را به بنای صوری و سطحی متن مرتبط می‌دانند (فقی، ۲۰۰۰: ۹۵)، بنابر این آنچه موجب انسجام یک اثر ادبی و ساختار آن می‌شود، روابط معنایی، لفظی، نحوی و جز این‌ها میان عناصر متن است. بر قرار گرفتن واژه‌ها در بافت جمله و به هم پیوستن جمله‌ها به یکدیگر، روابطی حاکم است که موجب هماهنگی و انسجام ساختار متن می‌شود. انسجام یکی از عناصر اساسی است که در زیبایی‌شناسی متن دخیل بوده و تأثیری بسیار به سزا در القای مفاهیم متن، انتقال سریع و ماندگاری آن دارد. انسجام و هماهنگی میان اجزای متن از برترین ویژگی‌های یک اثر ادبی و هنری به شمار می‌آید. این نوع انسجام کلیه روابطی را شامل می‌شود که در آن عنصری از یک جمله با عناصر جملات ماقبل و مابعد در تعامل و ارتباط باشد. به عبارتی جامع تر «انسجام به روابط درون‌متنی حاکم بر جملات یک متن گفته می‌شود» (جلالی، ۱۳۸۸: ۱۸).

قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت نازل شده و از هر وجهی که به آن بنگریم، معجزه شگرف آن را خواهیم دید، به بهترین شکل ممکن از عنصر انسجام برخوردار است، آن گونه که مجموع آیات، در ارتباط با هم و برای هدفی واحد نازل شده‌اند. تناسب و انسجام بین آیات امری واضح است و هر کس قرآن را با دقت و تدبر مطالعه کند، روابط میان آن‌ها را درمی‌یابد. هر سوره دارای یک وحدت موضوعی است که آن را از دیگر سوره‌ها جدا می‌کند. هم‌چنین هر سوره آغازی و پایانی نیکو دارد (ملاابراهیمی و قهرمانی، ۱۳۹۶: ۳۰).

یکی از ویژگی‌های بارز قرآن کریم، سخن گفتن از موضوعات پراکنده و متنوع در هر سوره است. این پراکندگی دستاویزی برای دشمنان و منکران قرآن شد تا یکپارچگی و وحیانی بودن آن را زیر سؤال ببرند. از جمله مستشرقانی که این دیدگاه را مطرح کرده‌اند می‌توان به ایگناس گلدزیهر<sup>۱</sup>، بارتلمه<sup>۲</sup>، گوستاو لوبون<sup>۳</sup>، نولدکه<sup>۴</sup>، ونز برو<sup>۵</sup> و ریچارد بل<sup>۶</sup> اشاره کرد. این در حالی است که مسلمانان

1. Ignaz Goldziher
2. Christian Bartholomae
3. Gustave Le Bon
4. Theodor Nöldeke
5. John Wansbrough
6. Richard Bell

از دیرباز معتقد به وجود انسجام در قرآن بوده و این مسأله را در قالب‌های مختلف، از جمله «نظریهٔ نظم» مطرح و بررسی کرده اند. در پاسخ به این قبیل شبهات، مسلمانان و برخی از مستشرقان، پانزده نظریه را در خصوص کیفیت ارتباط آیات درون سوره‌ها مطرح کرده‌اند که بعضی از آن‌ها تا حدودی به اثبات انسجام متنی سوره‌ها کمک کرده است. از جملهٔ این نظریه‌ها، می‌توان به «نظریهٔ انسجام متنی نقش گرا» اشاره کرد. این نظریه، از سوی مایکل هالییدی<sup>۱</sup> و رقیه حسن در سال ۱۹۷۶ مطرح شد (خامه‌گر، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۲۱).

همان‌طور که اشاره شد شبهات مطرح شده از جانب مستشرقان ضرورت چنین پژوهش‌هایی را روشن می‌سازد تا با اثبات انسجام و پیوستگی قرآن، ادعاهای بی‌اساس آنان ملغی و معجزه بودن قرآن آشکار شود. بنابراین با توجه به پژوهش‌های انجام شده در زمینهٔ انسجام قرآن و فقدان پژوهشی در خصوص سورهٔ مزمل، نوشتار حاضر درصدد بررسی عوامل انسجام و میزان فراوانی هر کدام از این عوامل در سورهٔ مزمل بر طبق نظریهٔ هالییدی و حسن است.

## ۱. ادبیات نظری پژوهش

### ۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

موضوع انسجام در متن قرآن کریم بر مبنای الگوی انسجام متن بر اساس نظریهٔ هالییدی و حسن، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم قرآنی قرار داشته و در این باره تحقیقاتی تدوین شده است؛ که به این موارد می‌توان اشاره نمود:

- مقاله «انسجام واژگانی در قرآن، بررسی سورهٔ نور»، شواهدی از چگونگی ایفای نقش انسجام واژگانی در متن قرآن را بیان می‌دارد. هم‌چنین میزان بسامد و تکرار و هم‌آیی واژگان را در این سوره محاسبه کرده و به استناد آن، ساختار موضوعی سورهٔ نور را مورد تحلیل قرار داده است. (مرآت، ۱۳۹۰)

- مقاله «بررسی روابط متنی قرآن (مطالعهٔ موردی: سورهٔ احقاف)» به دنبال بررسی انسجام، پیوستگی و روابط متنی در سورهٔ احقاف هم بر طبق نظریهٔ انسجام و هم طبق نظریهٔ ربط است. در این مقاله، ابتدا متن سوره به چند حوزهٔ معنایی تقسیم شده سپس انسجام درون و بین آیه‌ای هر حوزهٔ معنایی بررسی شده است. ربط هر حوزهٔ معنایی و عوامل ارتباطی که مجموعه‌ای از آیات را در یک حوزهٔ معنایی قرار می‌دهد، در مرحلهٔ بعد بررسی شده‌اند. در پایان انسجام میان همه حوزه‌های معنایی تشکیل‌دهندهٔ سوره و

1. Michael Halliday

نیز ربط و عوامل ربط بین حوزه‌ای نیز مشخص شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سوره احقاف افزون بر انسجام درون و بین آیه‌ای، از انسجام بین حوزه‌ای نیز برخوردار است. (صحرائی و نصرتی، ۱۳۹۳)

– مقاله «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» درصد نشان دادن انسجام هنری در آیات ۳ تا ۴۳ سوره قصص مربوط به داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بر پایه نظریه انسجام مایکل هالیدی و نظریه مکمل رقیه حسن به عنوان هماهنگی انسجامی است. برآیند پژوهش، نشان می‌دهد که عوامل انسجام از قبیل دستوری، واژگانی و پیوندی به همراه سایر ویژگی‌های هماهنگی انسجامی مانند زنجیره‌ها و تعامل بین زنجیره‌ها باعث انسجام اجزای این داستان در سوره قصص شده‌اند. (مسبوق و دلشاد، ۱۳۹۵)

– مقاله «عوامل انسجام متنی در سوره نوح عَلَيْهِ السَّلَام»، سه عامل انسجام متنی بر اساس نظریه هالیدی و حسن را در این سوره یافته است که از این قرار می‌باشند: عامل واژگانی، عامل دستوری و عامل پیوندی. (ولینی و دیگران، ۱۳۹۵)

– مقاله «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، تکرار و تضاد را از عوامل پربسامد در انسجام این سوره می‌داند. (اقبالی و دیگران، ۱۳۹۶)

– مقاله «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)»، عوامل انسجام متنی بر اساس نظریه هالیدی و حسن را در این سوره بررسی کرده و عامل «تکرار» را پربسامدترین عامل انسجام واژگانی و عامل «ارجاع» را پربسامدترین عامل انسجام دستوری، معرفی کرده است. (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶)

– مقاله «تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی (بررسی نمونه‌ای: سوره‌های جزء سی‌ام)»، که انسجام و پیوستگی را در برخی آیات سوره‌های جزء سی، خصوصاً آیات مرتبط با قیامت و معاد را، با تکیه بر نظریه هالیدی بررسی کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که: ۱. عنصر انسجام و مؤلفه‌های آن به دلیل حضور در برونه متن، نقشی برجسته‌تر در آشکار کردن زیبایی‌ها و اسرار آیات منتخب داشته‌اند؛ ۲. از بین عناصر انسجامی بررسی شده در آیات، ارجاع پسینی، حذف و تکرار لفظی با بزرگ جلوه دادن و درک نشدن واقعه قیامت، تکرار ساختار ترکیبی با حرکت بخشی به تصاویر قیامت و ایجاد فضای ترس و وحشت، تضاد و تقابل و تناسب با ترسیم فضاهای هماهنگ با بهشت و دوزخ، نقشی عمده در تبیین مفاهیم مرتبط با قیامت داشته است. (مختاری و خدابخش‌نژاد، ۱۳۹۷)

– مقاله «تحلیل گفتمان دو سورهٔ فلق و ناس بر اساس الگوی فرا نقش متنی هالیدی»، پژوهشگران در این مقاله به بررسی تحلیل گفتمان در دو سورهٔ فلق و ناس در سطح فرانش متنی – مبتنی بر نظریه نقش‌گرای هالیدی پرداخته و از یافته‌های تحقیق دریافته‌اند که این دو سوره به لحاظ گفتمان بر مبنای مکالمه و پرسش و پاسخ بوده و استفاده از مؤلفه‌های گفتمان مدار هالیدی – فرانش متنی – در میان این دو سوره متفاوت از هم نبوده، بلکه در انسجام متنشان اداتی گوناگون و متنوع مؤثر بوده است. (سید حسین سیدی و سمیه بیگ قلعه جوقی، ۱۳۹۸)

### ۲-۱. ضرورت پژوهش

همان‌طور که می‌بینیم پژوهش‌های مختلف دربارهٔ انسجام در قرآن کریم به انجام رسیده است، ولی هیچ‌کدام به بررسی انسجام سورهٔ مزمل نپرداخته‌اند. ساختار این سوره به‌رغم حجم اندک خود، از موضوعاتی متنوع سخن گفته است. به نظر می‌رسد همین تنوع موضوع و حجم اندک، کیفیت انسجام این متن را مستعد ارزیابی و پژوهشی جدید می‌کند. از این رو نگارندگان بر اساس نظریهٔ انسجام هالیدی و حسن به هماهنگی انسجامی و ماهیت تعامل زنجیره‌های واژه‌ها در این سوره پرداخته‌اند تا مخاطبان خود را با زوایای پنهان و نهان این سوره آگاه سازند. به نظر می‌رسد ارزیابی و تحلیل این سوره از منظر تعیین درصد انسجام متنی و سنجش میزان تعامل واژه‌ها به صورت عملی و نظام‌مند برای رفع اتهامات قرآن پژوهان در بارهٔ عدم انسجام متن سوره‌های قرآن مفید باشد.

### ۳-۱. پرسش پژوهش

پرسش اصلی که در این پژوهش به آن پاسخ داده خواهد شد، این است که بر پایهٔ نظریهٔ انسجام هالیدی و حسن، عوامل انسجام‌ساز سورهٔ مزمل کدام هستند و چگونه زمینه‌ساز پیوستگی میان گزاره‌های معنایی و ساختاری این سوره شده‌اند؟

### ۴-۱. فرضیهٔ پژوهش

فرضیهٔ پژوهش در کارآیی نظریهٔ هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سورهٔ مزمل بر این استوار است که بهره‌گیری از این نظریه به فهم و درک بهتر مخاطب از مقصود مورد نظر گوینده منجر می‌شود و انسجام واژگانی، تکرار لفظی و معنایی، همپایگی نحوی، همنشینی واژگانی و انسجام دستوری در ارجاع، حذف و جایگزینی، می‌تواند شماری از مؤلفه‌های انسجام این سوره باشد.

## ۱-۵. روش پژوهش

شایان توجه است که در این پژوهش، روش تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی است؛ به عبارت دیگر نگارندگان برای تجزیه و تحلیل آیات سوره منتخب مزمل، از روش تحلیل محتوا بر اساس الگوی هدفمند انسجام در نظریه هالیدی و حسن سود جسته‌اند که در آن محتوای آشکار پیام‌ها به طور کمی و نظام‌دار توصیف شده است.

## ۲. نظریه انسجام متنی نقش‌گرا

هالیدی و حسن معتقد هستند که انسجام متن، شامل کلیه روابط معنایی است که به واسطه آن، هر قطعه از گفتار یا نوشتار می‌تواند به عنوان متن انجام وظیفه کند. از این رو، «انسجام، به کلیه رابطه‌هایی اطلاق می‌شود که عناصری از یک جمله را به عناصر جملات دیگر مرتبط می‌کند» (لطفی‌پور و ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۰). در این نظریه، معنا به خودی خود امکان بروز ندارد و به شکل خام در قالب اصوات زبان ریخته نمی‌شود. برای این که توده بی‌صداهای زبان شکل معنا را به صورتی مادی و قابل درک در آورد، باید سازمان‌بندی شود و به صورت ساختار درآید. این کار در لایه واژی- دستوری زبان صورت می‌گیرد که فرم یا صورت زبان را می‌سازد. چگونگی بازنمایی و تحقق معنا در صورت زبان، در گرو محدودیت نهاد زبان و ویژگی‌های زنجیره‌ای کلام است. معنا به عنوان یک پیوستار فضایی، برای بازنمایی در زنجیره کلام به واحدهایی برش می‌خورد که روابطی میان این واحدها برقرار است. بر مبنای چنین طرحی، سازمان‌بندی معنا و انسجام سخن در دو سطح دستوری و واژگانی محقق می‌گردد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳۵).

هالیدی و حسن روابط بین‌جمله‌ای متن را «انسجام متنی»<sup>۱</sup> نامیده و آن را به این صورت تعریف کرده‌اند: انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن جدا و مشخص می‌کند. هالیدی معتقد است که انسجام به صورت بالقوه در عناصر نظام زبانی هم‌چون ارجاع، حذف، جان‌شینی و جز آن‌ها که درون زبان قرار دارند، نهفته است؛ اما عینیت یافتن آن در هر مورد به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل «گره»<sup>۲</sup> و آن‌گاه ارتباط این عناصر با یکدیگر به صورت «زنجیره»<sup>۳</sup> منجر می‌شود (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۳۸). بر اساس مبانی نظریه هالیدی و حسن عوامل انسجام متن از این قرار می‌باشند:

1. Textual Cohesion
2. Tie
3. Chain

◀ نظام واژی- دستوری که شامل «تکرار»،<sup>۱</sup> «هم‌آیی»،<sup>۲</sup> «ارجاع»،<sup>۳</sup> «جایگزینی»<sup>۴</sup> و «حذف»<sup>۵</sup> است که به عملکرد سازه‌های دستوری زبان مربوط می‌شود. نحوه ارتباط نظام معنایی با نظام واژی- دستوری به این صورت است که هر کدام از این فرآیندها به عنوان یک سطح کلان برای بخشی خاص از نظام واژی- دستوری به شمار می‌رود.

◀ نظام پیوندی که همان «حروف ربط»<sup>۶</sup> است. در این فرآیند از چگونگی اشیا و پدیده‌ها و نیز از روابط میان آن‌ها سخن گفته می‌شود؛ برای مثال نسبت دادن ویژگی یا داشتن حالت به کسی یا چیزی با فرآیند ربطی بیان می‌شود. این گونه فرآیندها، اغلب با افعال مانند بودن، به نظر رسیدن، شدن و داشتن همراه هستند (هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۱۲-۱۱۴).

### ۳. بررسی دیدگاه‌های هالیدی و حسن در تبیین این نظریه

از نظر هالیدی و حسن انسجام یک مفهوم معنایی است و به روابط معنایی موجود میان عناصر درون متن گفته می‌شود. انسجام زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عناصری از متن به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر متن وابسته باشد (سیدی و بیگ قلعه جوقی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). این نظریه در حوزه مطالعات متن‌شناسی، مؤلفه انسجام را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری متن معرفی می‌کند و به تحلیل عوامل انسجام در متن می‌پردازد. در این نظریه، اگر اجزای جمله‌های متن با هم مربوط باشند، آن نوشته یک متن<sup>۷</sup> را شکل می‌دهد. هالیدی و حسن، ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای را بررسی کرده‌اند و آن را انسجام متنی نامیده‌اند (سارلی، ۱۳۹۰: ۵۵). آنان عوامل انسجام را تحت سه عنوان دستوری، واژگانی و پیوندی ارایه می‌دهند که در ادامه به بیان و تطبیق هر کدام از عوامل انسجام متنی در سوره مزمل می‌پردازیم.

#### ۳-۱. انسجام واژگانی

انسجام واژگانی<sup>۸</sup> نوعی از انسجام مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایشان با یکدیگر دارند (مسبوق و دلشاد، ۱۳۹۵: ۱۲۱). انسجام واژگانی را حضور واژه‌های

1. Reiteration
2. Collocation
3. Reference
4. Substitution
5. Ellipsis
6. Conjunctives
7. Text
8. Lexico Cohesion

مشابه و مرتبط به وجود می‌آورد. موضوع هر گفته و نوشته، این امر را تأمین می‌کند؛ برای مثال متکلمی که از آب و هوا حرف می‌زند، به ناچار از کلماتی مانند هوا، هوای گرم، هوای سرد و جز آن‌ها استفاده خواهد کرد. صرف وجود این واژه‌ها در متن، انسجامی را به وجود می‌آورد که مخاطب را در فضای اطلاعاتی خاص قرار می‌دهد. انسجام واژگانی متن در دو سطح بررسی می‌شود:

**الف- در سطح جمله؛** یعنی واژگان با ارتباط معنایی در یک جمله بررسی می‌شود؛

**ب- در سطح متن؛** در این بخش، واژگانی که در بین جملات مختلف در سرتاسر متن با هم رابطه مفهومی دارند، تحلیل می‌شوند. بررسی روابط واژگان در این دو سطح، انسجام متن را نشان می‌دهد. این انسجام به دو صورت تکرار و هم‌آیی صورت می‌گیرد (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶: ۹۰-۹۱).

### ۳-۱-۱. تکرار

یکی از مهم‌ترین عناصر انسجام واژگانی تکرار است. «تکرار، به کارگیری متعدد برخی عناصر جمله و متن است که سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را محکم و جانب دلالی آن را تقویت می‌کند» (حلو، ۲۰۱۲: ۲۰). در این تاکتیک، مضمون، عبارت، یا واژه‌ای خاص به طور آگاهانه در متن تکرار می‌شود که این تکرار دربردارنده مسایل ایدئولوژیک است. تکرار به معنای به کارگیری متعدد برخی از عناصر جمله و متن است و سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود که انسجام متن را به دنبال خواهد داشت. عناصر تکراری در متن، ساختار متن را محکم و جانب دلالی آن را تقویت می‌کند. به علاوه، تکرار کلمات مهم و کلیدی در متن می‌تواند مضمون اصلی متن را بارزتر و فهم آن را آسان‌تر و سریع‌تر کند. در سوره مزمل تکرار در بخش‌های زیر دیده می‌شود که واحد اندیشگانی یکسانی را تشکیل می‌دهند.

#### ۳-۱-۱-۳. تکرار لفظی

تکرار لفظی به معنای تکرار یک واژه در متن است که خود به دو دسته تقسیم می‌شود: **الف**- تکرار تام [منظور تکرار یک واژه، بدون هیچ تغییری، در متن است]؛ **ب**- تکرار جزئی [منظور تکرار مشتقات یک ریشه است] (همان). در ادامه عامل تکرار تام و محض در سوره مزمل در دو جدول مجزا آورده شده است:

جدول ۱: عامل تکرار تام در سوره مزمل

تعداد ارجاع با ضمیر	تعداد تکرار	کلمه تکرار شده
۶ بار	۴ بار	لیل



تعداد ارجاع با ضمیر	تعداد تکرار	کلمه تکرار شده
	۳ بار	قلیل
	۲ بار	نصف
۱ بار	۲ بار	قرآن
۱ بار	۲ بار	نهار
۱ بار	۲ بار	یوم
	۳ بار	رسول
	۲ بار	ارسلنا
	۲ بار	جبال
۱ بار	۲ بار	فرعون
	۲ بار	سیبیل
	۲ بار	ارض
	۲ بار	خیر
	۲ بار	فاقرءوا ما تیسر من
	۲ بار	علم ان
	۲ بار	ءاخرون

جدول ۲: عامل تکرار جزئی در سورهٔ مزمل

مشتقات	ریشهٔ تکرار شده
إِنَّا سَأَلْنَاكَ عَلَيْنَا قَوْلًا فَعِيلاً هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً وَأَضْبَرُ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ	قول
فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلاً أَنْتَ تَقُومُ أَذْنَى مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ	قوم
وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً	رتل
وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتَبُّلاً	بتل

مشتقات	ریشه تکرار شده
وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا	هجر
فَاتَّخِذْهُ وَكَيْلًا فَأَخَذْنَا هُوَ أَخْذًا وَيِيلًا	أخذ
إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا	رسل
كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى	كون
إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ ... عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى	علم
وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا	قرض
وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	غفر

### ۳-۱-۲. تکرار معنایی

عبارت از تکرار معنی با واژگان متفاوت و نه یکسان است. این نوع تکرار انواعی مختلف دارد از جمله «شمول معنایی»، «ترادف»، «کل - جزء» و «واژگان خاص پس از عام».

#### الف. شمول معنایی<sup>۱</sup>

شمول معنایی؛ یعنی مفهوم یک واژه، مفاهیم چند واژه دیگر را شامل می‌شود (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۳۲). واژه‌هایی را فرا می‌گیرد که از نظر مفهوم و معنا، واژه یا واژه‌هایی دیگر را تحت‌الشعاع حوزه معنایی خود قرار می‌دهند؛ مانند واژه «میوه» که سیب، انار، پرتقال، گیلاس و ... را در برمی‌گیرد (شاهپری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹).

تکرار واژه «قرآن» در سوره مزمل هم می‌تواند دلالت بر نماز شب داشته باشد و هم می‌تواند بر آیاتی از قرآن اشاره کند که در طی نماز خوانده می‌شود.

تکرار واژه «عذاب» در آیات ۱۲ و ۱۳، واژه‌های قبل از خود را [«أنکال»، «جحیم»، «طعام ذا غصة»] در برمی‌گیرد. «إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا». این واحد معنایی، ضمن

ارتباط با حوادث اصلی متن، توانسته است نهایت عذاب الهی را در تکرار واژگان که همگی دلالت بر عذاب دارند، بیان کند.

در آیهٔ ۲۰، دو فعل «یقدر» و «تحصوه» با این که فاعلی متفاوت دارند؛ اما در دایرهٔ شمول معنایی قرار می‌گیرند. البته معنای فعل «یقدر» از معنای فعل «تحصو» کامل‌تر است، چرا که «اندازه گرفتن»، «شمردن» را هم در بردارد.

### ب. مترادف

از مترادف یا واژگانی که شباهت‌های معنایی را انتقال می‌دهند، در قرآن کریم به صورت گسترده وجود دارد. شایان ذکر است منظور از مترادف، جایگزینی نیست تا بخواهیم واژه یا گروه‌واژه‌ای را جای واژه یا گروه‌واژه‌ای قرار دهیم، بلکه منظور کلمات هم‌معنا هستند که به هدف تنوع‌بخشی و برقراری ارتباط میان واحدهای زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان، ۱۸-۱۹).

این دسته کلمات هم‌معنا در سورهٔ مزمل از این قرار می‌باشند:

◀ در آیهٔ ۹ «رب» و «هو» هر دو اسامی خداوند هستند.

◀ در آیهٔ ۶، دو کلمهٔ «اشد» و «قوم»

◀ در آیات ۱۰ و ۱۱، دو فعل «هجر» و «ذر»؛ و هم‌چنین دو فعل «اصبر» و «مهّل»

◀ در آیات ۵ و ۱۶، دو کلمهٔ «ثقیل» و «وبیل»

◀ در آیهٔ ۲۰، دو فعل «بیتغون» و «تجدوا»

◀ دو کلمهٔ «ترجف» و «منفطر» در آیات ۱۴ و ۱۸: «يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ» و «السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ

بِه»؛ اگرچه این دو واژه از نظر لغوی هم‌معنا نیستند؛ اما هر دو بیان‌کنندهٔ شکاف و لرزه‌ای در زمین و آسمان در روز قیامت هستند.

### ج. کل-جزء<sup>۱</sup>

منظور ذکر بخشی از یک واژه در شرایطی است که واژهٔ اصلی، توصیفی (ارتباطی) از آن واژه جزئی‌ارایه دهد.

◀ در آیهٔ ۲۰ در عبارت «فَأَقْرَهُمَا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي

الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، ابتدا پیامبر ﷺ و امتش را امر به خواندن

نماز شب به قدر وسع هر فرد می‌کند؛ در ادامه برخی از گروه‌های مختلف این امت را برمی‌شمرد: گروهی مریض، گروهی در سفر، و برخی مجاهد راه خدا هستند.

#### د. واژگان خاص پس از عام<sup>۱</sup>

به واژگانی اطلاق می‌شود که در یک حوزه معنایی، ارتباط و تعامل خاص و عامی را با یکدیگر برقرار می‌کنند. در این حوزه، واژه خاص ضمن به کارگیری واژه عام و در پوشش معنایی آن در متن به کار گرفته می‌شود؛ به عنوان مثال، واژه «نماز عصر» دربارهٔ واژه عام و فراگیر «نماز» معنا و مفهومی مرتبط پیدا می‌کند. (همان، ۲۰)

﴿ در آیه ۲۰ در عبارت «فَأَقْرَهُوَا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»، نخست امر به خواندن نماز شب و در ادامه امر به خواندن نماز می‌شود.

در واقع «قرآن» در این جا منظور همان نماز شب است و با امر به «صلاة»، ذکر عام پس از خاص نموده است.

﴿ در آیه ۱۱ در عبارت «وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ»، ذکر «اولی النعمة» بعد از «مکذبین» ذکر خاص بعد از عام است.

#### ۳-۱-۳. تکرار ساختار ترکیبی (همپایگی نحوی)

در میان جملات یک متن، گروهی از جملات با حروف ربط به یکدیگر مربوط می‌گردند تا دو یا چند جمله‌واره یا کلمه یا گروه را در یک وظیفه نحوی شریک کنند. چنین جمله‌هایی که ساختار نحوی یکسان و معنایی متفاوت دارند، سبب ایجاد نوعی از تکرار می‌شوند که علاوه بر ایجاد انسجام، همپایگی موسیقایی را نیز به دنبال دارند (مختاری و خدابخش، ۱۳۹۷: ۱۱۶).

در سوره مزمل ساخت‌های همپایه دیده می‌شود:

❖ فعل امر: قُمْ اللَّيْلَ \*\* أَوْ انْقُصْ مِنْهُ \*\* زِدْ عَلَيْهِ \*\* وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ \*\* فَاتَّخِذْهُ وِكِيلاً \*\* وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ \*\* وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ \*\* وَمَهْلَهُمْ قَلِيلاً.

❖ فعل امر به همراه مفعول مطلق تأکیدی: وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً \*\* وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَتْتِيلاً \*\* وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلاً.

نکته حایز اهمیت در فعل‌های امر بالا این است که همگی خطاب به پیامبر ﷺ آمده است. اما

فعل‌های امری که در آیه آخر به کار رفته همگی خطاب به پیامبر ﷺ و امت ایشان است، از قبیل:

❖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ \*\* وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ \*\* وَآتُوا الزَّكَاةَ \*\* وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا \*\* وَاسْتَعْفِرُوا اللَّهَ

### ۳-۱-۴. تکرار آوایی

مصوت «آ» در ۱۸ آیه میانی سوره مزمل [به جز آیات ۱ و ۲۰] تکرار شده و موجب انسجام آیات شده است:

قَلِيلًا (۲، ۳، ۱۱)؛ تَرْتِيلًا (۴)؛ تَقِيلًا (۵)؛ قِيلًا (۶)؛ طَوِيلًا (۷)؛ تَبْتِيلًا (۸)؛ وَكَيْلًا (۹)؛ جَمِيلًا (۱۰)؛ جَحِيمًا (۱۲)؛ أَلِيمًا (۱۳)؛ مَهِيلًا (۱۴)؛ رَسُولًا (۱۵)؛ وَبِيلًا (۱۶)؛ شَبِيهَا (۱۷)؛ مَفْعُولًا (۱۸)؛ سَبِيْلًا (۱۹).

### ۳-۱-۲. با هم آیی

با هم آیی، یعنی همنشینی واژگانی که ارتباط قوی میانشان، آن‌ها را به ترکیب شدن با هم سوق می‌دهد؛ مانند ارتباطی که بین واژه «نوشیدن» با واژه «آب» وجود دارد. گاهی ارتباط میان دو واژه به اندازه‌ای قوی است که به محض شنیدن یک واژه، دیگری نیز در ذهن تداعی می‌شود. این ارتباط نیرومند نقشی به سزا در انسجام و پیوستگی متن دارد (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶: ۹۵). «با هم آیی» به چند دسته تقسیم می‌شود که به بررسی بخش‌های به کار رفته در سوره مزمل می‌پردازیم.

### ۳-۲-۱. مراعات النظیر<sup>۱</sup>

مراعات النظیر، آوردن واژه‌هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و یا همراهی باشد. مراعات النظیر سبب تداعی معانی می‌شود و نقشی مهم در انسجام متن دارد؛ زیرا در آن از مجموعه‌ای از کلمات استفاده می‌گردد که با یکدیگر هماهنگی و ارتباط معنایی خاص دارند (همان، ۹۶).

مراعات النظیرها در سوره مزمل:

❖ در آیات ۱۴ و ۱۸، کلمات «أرض»، «جبال» و «سما»

❖ در آیات ۲ و ۶ و ۷ و ۱۴، کلمات «لیل»، «ناشئة اللیل»، «النهارة» و «یوم»

❖ در آیات ۱۲ و ۱۳، کلمات «نکال»، «جحیم» و «عذاب»

❖ در آیات ۱۴ و ۲۰، کلمات «رتل»، «ترتیل»، «قرآن» و «اقرءوا»

❖ در آیه ۱۶، دو کلمه «فرعون و عصی»

- ❖ در آیه ۲۰، دو کلمه «ثلث» و «نصف»
- ❖ در آیه ۲۰، دو عبارت «أَقِمُوا الصَّلَاةَ» و «ءَاتُوا الزَّكَاةَ» همه با یکدیگر تناسب دارند.

### ۳-۲-۱. تضاد

گاهی ارتباط قوی بین دو کلمه متضاد سبب به کار گرفتن آن‌ها در کنار هم می‌شود؛ زیرا بعضی مواقع ارتباط بین آن دو به گونه‌ای است که با شنیدن یکی از آن دو کلمه، دیگری به ذهن خطور می‌کند؛ همانند ارتباطی که میان دو کلمه متضاد «چپ و راست» و یا «بالا و پایین» وجود دارد (همان، ۹۶).

تضادها در سوره مزمل به این ترتیب می‌باشند:

- ❖ در آیه‌های ۳ و ۴، دو کلمه «انْقُصْ» و «زِدْ» [تضاد بین افعال]
- ❖ در آیه‌های ۲ و ۷، دو کلمه «لیل» و «نهار» [تضاد بین اسماء]
- ❖ آیه‌های ۷ و ۱۰، دو عبارت «وَأَقْوَمُ قِيلًا» و «وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ» [تضاد بین اسماء]
- ❖ در آیه ۹، دو کلمه «مشرق» و «مغرب» [تضاد بین اسماء]
- ❖ در آیه ۱۷، دو کلمه «ولدان» و «شیب» [تضاد بین اسماء]

### ۳-۲. انسجام دستوری

انسجام دستوری به سه دسته ارجاع، حذف و جایگزینی تقسیم می‌شود.

### ۳-۲-۱. ارجاع

گاهی تعبیر و تفسیر برخی واژگان در متن نیازمند تعبیر و تفسیر واژگانی دیگر در همان متن است و برای فهم آن باید به سراغ مراجع آن‌ها رفت.

ارجاع در متن با ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول صورت می‌گیرد و به دو صورت پیش مرجع و پس مرجع است. ارجاع از شایع‌ترین ابزار انسجام متنی در زبان عربی به شمار می‌رود و با برقراری رابطه بین کلمات و جملات مختلف نقشی به سزا در انسجام متنی ایفا می‌کند. ارجاع به دو صورت درون متنی و برون متنی صورت می‌گیرد. شایان ذکر است که ارجاع برون متنی فاقد نقش انسجام‌بخشی است (ولینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۸-۷۹). ارجاعات سوره مزمل در جدول زیر تبیین شده است:

جدول عامل ارجاع در سوره مزمل

مرجع ضمیر	ضمایر
پیامبر ﷺ	ضمیر مستتر «أنت» در یازده فعل صیغه امر: «قُمْ»،

مرجع ضمیر	ضمایر
	«انقص»، «زد»، «رَتَّل»، «اذکر»، «تبتل»، «اتخذ»، «اصبر»، «هجر»، «ذَر»، «مهَل»
	«ک» در «عَلِیک»، «لک»، «رَبِّک» در آیات ۵، ۷ و ۸
	«ک» در «رَبِّک»، «أَنک»، «مَعک» در آیهٔ ۲۰
اللیل	«ه» در «نِصْفَه»، «مِنَه»، «عَلِیه» در آیات ۳ و ۴
	«ه» در «نِصْفَه»، «تُلْثَه» در آیهٔ ۲۰
رب	«ه» در «إِلیه»، «إِتْخِذُه»، «وَعِدُه» در آیات ۸، ۹ و ۱۸
	«سی» در «ذرنی»
مکذبین	ضمیر غایب «واو» در «یقولون»* در آیهٔ ۱۰
	«هَم» در «أهجرهُم»، «مهَلهُم» آیات ۱۰ و ۱۱
	«کُم» در «إِلیکم»، «عَلِیکُم»، «مِنکُم»، «أَنفُسکُم» در آیات ۱۵ و ۲۰
امت پیامبر ﷺ	ضمیر مخاطب «واو» در «تتقون»
	ضمیر «واو» در فعل‌های امر «إِقرءوا»، «أَقِمْوا»، «ءَاتُوا»، «إِقرضُوا»
	ضمیر مخاطب «تم» در «کفرتُم»
رسول	«ه» در «فَأَخَذْنَاہُ»
یوم	«ه» در «مُنْقَطِرٌ بِه»
اسم شرط «مَن»	«ه» در «رَبِّه» آیهٔ ۱۹
اللیل و النهار	«ه» در «تَحْصُوه» در آیهٔ ۲۰
قرآن	«ه» در «مَا تَیسَّرَ مِنْه»
آخرین اول	«واو» در «یَضْرِبُونَ»
آخرین دوم	«واو» در «یُقَاتِلُونَ»
«ما تقدموا لانفسکم»	«ه» در «تَجِدُوهُ»

ضمایر	مرجع ضمیر
ضمیر بارز «هو» در آیه ۲۰	(نفس خود عمل)
اسامی موصول	مرجع
ما [در آیه ۱۰] وَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ	هر سخنی از جانب مکذبین
اسامی اشاره	مرجع
یا ائِیْهَا [در آیه ۱]	ندا به پیامبر ﷺ
هَذِهِ [در آیه ۱۹]	آیات ماقبل

شایان یادآوری است که مرجع ضمیر «هم» و ضمیر «او»، در آیه ۱۰، «مکذبین» آیه ۱۱ می‌باشد. به عبارت دیگر مرجع ضمیر از نوع پس مرجعی است. اما بقیه ارجاع‌ها همگی از نوع پیش مرجعی هستند.

### ۲-۲-۳. جایگزینی

در جایگزینی، یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر می‌نشیند؛ یعنی ممکن است یک واژه یا یک عبارت، جایگزین یک واژه، عبارت یا یک بند دیگر در یک متن شود (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶: ۸۸). در واقع در این عامل انسجامی، مدلول دو واژه یکی است اما لفظ دال بر آن تغییر یافته است؛ بنابراین عامل جایگزینی را می‌توان از انواع تکرار معنایی نیز شمرد (ولینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۸). این عامل به دو صورت در سوره مزمل به کار رفته است:

#### الف. اسم به جای اسم

﴿ در ابتدای سوره، پیامبر ﷺ را با لفظ «يَا أَيُّهَا الْمَزْمِلُ» خطاب می‌نماید؛ اما در ادامه، در آیه ۱۵، ایشان ﷺ را با الفاظ «رسول» و «شاهد» به مردم معرفی می‌کند.  
 ﴿ واژه «قَوْلًا تَقِيْلًا» در آیه ۵ جایگزین واژه «القرآن» در آیه ۴ شده است.

#### ب. اسم به جای جمله

﴿ در آیه ۱۷ یکی از ویژگی‌های قیامت «يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» را بیان می‌کند و در آیه ۱۸، لفظ «وَعَدَةٌ» جایگزین قیامت و تمامی ویژگی‌های آن شده است.  
 ﴿ در آیه ۱۹، اسم اشاره «هَذِهِ»، جانشین آیات ماقبل شده است.



### ۳-۲-۳. حذف

حذف، نیاوردن واژه، جمله یا بخشی از جمله و یا قسمتی از کلام در متن است، به گونه‌ای که مخاطب بتواند با توجه به قراین لفظی و معنوی عنصر یا عناصر محذوف را دریابد. به دو دلیل حذف سبب انسجام متنی می‌شود: ۱. تکرار: عنصر محذوف غالباً مشتق از ماده عنصر مذکور، معنا و یا متعلقات است. پس اگر عنصر محذوف در جمله آورده شود، با نام تکرار شناخته می‌گردد. ۲. ارجاع: حذف عنصری از متن بیش تر با توجه به وجود قرینه در متن رخ می‌دهد. بنابراین، شناخت عنصر محذوف نیازمند رجوع به قرینه است و به قرینه، مرجعی برای محذوف قرار می‌گیرد که ممکن است قبل یا بعد از محذوف باشد (زانوس و نبی‌پور؛ ۱۳۹۶: ۸۹). جدول زیر حذف حروف، واژگان و عبارات را در سوره مزمل نشان می‌دهد:

#### جدول عامل حذف در سوره مزمل

عبارت اصلی به همراه عبارت محذوف	عبارت استعمال شده
«قُم» و «تَقُوم» مشتق از اقامه است و دلالت بر اقامه نماز شب دارد.	قُم اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا
	أَنْتَ تَقُومُ أَذْنَى مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ
در این سوره منظور از «قرآن» یا نماز شب هست یا آیات قرآنی که در نماز قرائت می‌شود.	وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا
	فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ
هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ [هِيَ] أَقْوَمُ قَبْلًا	إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قَبْلًا
إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ [إِنَّ لَدَيْنَا] جَحِيمًا وَ [إِنَّ لَدَيْنَا] طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ [إِنَّ لَدَيْنَا] عَذَابًا أَلِيمًا	إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا
يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ [تَرْجُفُ] الْجِبَالُ	يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا [فَكَيْفَ تَتَّقُونَ]	فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا
وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ [يُقَدِّرُ] النَّهَارَ	وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

همان‌طور که پیش تر گفتیم عنصر محذوف می‌تواند مشتق از ماده عنصر مذکور باشد، بنابراین «قُم» گرفته شده از ریشه «قوم» و به معنای برپا داشتن نماز است.

### ۳-۳. انسجام پیوندی

منظور از انسجام پیوندی، وجود ارتباط معنایی و منطقی میان جملات یک متن است. انسجام پیوندی در نظریه هالیدی و حسن، به چهار نوع ارتباط اضافی<sup>۱</sup>، سببی<sup>۲</sup>، تقابلی<sup>۳</sup> و زمانی<sup>۴</sup> تقسیم شده است (ولینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۲).

- «ارتباط اضافی»، هنگامی رخ می‌دهد که جمله‌ای مطلبی را به محتوای جمله قبل اضافه کند. این جمله‌های اضافی می‌تواند جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد.
- «ارتباط سببی»، هنگامی پدید می‌آید که رویداد فعل یک جمله یا رویداد دیگر جمله‌ها ارتباط سببی و علی داشته باشد، این ارتباط شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است.
- «ارتباط تقابلی»، هنگامی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله برخلاف انتظاراتی باشد که جمله ماقبل آن نسبت به موقعیت متکلم و مخاطب به وجود می‌آورد.
- «ارتباط زمانی»، هنگامی روی می‌دهد که نوعی توالی زمانی میان رویدادهای آن دو جمله برقرار باشد. در سوره مزمل، عواملی که ربط هستند و موجب انسجام پیوندی در این سوره شده‌اند در جدول ذیل آمده است:

جدول عامل انسجام پیوندی در سوره مزمل

شواهد مثالی	انواع انسجام پیوندی		
	واو	۲۷ بار	
برای نمونه: هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً ○ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ ○ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ○ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُخْصَوْهُ فِتَابَ عَلَيْهِمْ ○ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَآفَرُّوهُمَا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ	فاه	چهار بار	ارتباط اضافی
نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ	أو	دو بار	
○ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ○ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً [فاه در فآخذناه سببی است.]	فاه	چهار بار	ارتباط سببی

1. Additive
2. Casual
3. Adversative
4. Temporal

شواهد مثالی	انواع انسجام پیوندی		
○ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ○ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُخْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ [فاء در «فاقرءوا»]			
إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵)	یک بار	کاف	ارتباط تقابلی

#### ۴. بسامد عناصر انسجام

جدول زیر میزان بسامد وقوع انواع عناصر انسجام متنی را در سوره مزمل نشان می‌دهد.

#### جدول فراوانی عناصر انسجام متن در سوره مزمل

فراوانی کل	فراوانی	عناصر انسجام		
۱۲۷	۷۰	تکرار لفظی		انسجام واژگانی
	۳	شمول معنایی	تکرار معنایی	
	۷	ترادف		
	۱	کل-جزء		
	۲	عام-خاص		
	۱۶	تکرار ساختار ترکیبی		
	۱۸	تکرار آوایی		
	۷	مراعات النظیر		
۵	تضاد			
۶۷	۴۸	ضمیر		انسجام دستوری
	۱	موصول		
	۲	اشاره		
	۵	جایگزینی		
	۱۱	حذف		
۳۸	۳۸	حروف ربط		انسجام پیوندی

## نتیجه‌گیری

از آن‌چه گذشت دریافتیم که تناسب فوایدی ارزشمند و مهم دارد که ضرورت پرداختن به آن را مشخص می‌کند؛ دستیابی به لطایفی در تفسیر آیات، تأکید بر اعجاز قرآن کریم، تقویت عقل و پاسخ‌گویی به شبهات از جمله آن‌ها به شمار می‌روند. قرآن کریم معجزه‌ای جاودانه می‌باشد که از طرف خداوند حکیم برای سعادت بشر نازل شده است. در قرآن کریم عوامل انسجام و زیبایی‌شناسی به گونه‌ای چینش شده که با توجه به حکمت خداوند متعال قطعاً بدون هدف و قصد عقلایی نبوده است. در این مقاله ضمن بررسی انسجام در سوره مزمل از منظر هالیدی و حسن و نیز تحلیل داده‌ها، نتایج به دست آمده از این قرار می‌باشند:

۱. بر پایه نظریه انسجام هالیدی و حسن، تعداد کل نمونه‌های انسجام در متن سوره مزمل ۲۳۲ مورد است که رقم بالا و قابل ملاحظه‌ای به نظر می‌رسد؛
۲. از میان عوامل انسجام متن در سوره مزمل تکرار لفظی تام، تکرار لفظی جزئی، شمول معنایی، مترادف، کل-جزء، عام-خاص، تکرار ساختار ترکیبی، تکرار آوایی، مراعات‌النظیر، تضاد، ارجاع با ضمیر، ارجاع با اسم اشاره، ارجاع با اسم موصول، جایگزینی اسم به جای اسم، جایگزینی اسم به جای جمله، حذف، حروف ربط اضافی، حروف ربط سببی، حروف ربط تقابلی به کار رفته است؛
۳. بیش‌ترین عناصر انسجامی در سوره مزمل، مختص عناصر واژگانی به ویژه تکرار لفظی است؛
۴. بر حسب جدول فراوانی عناصر انسجام در سوره مزمل، می‌توان گفت این سوره از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است و بین زنجیره‌ها شکافی وجود ندارد. غالباً از ابتدا تا انتها یک متن منسجم هستند و با هم ارتباط طولی و عرضی محکمی دارند. به عبارتی با هم تشکیل «گره» می‌دهند و سبب حفظ انسجام در متن می‌شوند.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اقبالی، عباس و دیگران (۱۳۹۶)، «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، *دوفصلنامه تفسیر زبان و قرآن*، شماره ۱۱، صص ۹۱-۱۱۰.
۳. امرایی، محمد حسن، و دیگران (۱۳۹۶)، «ارزیابی مقایسه‌ای در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب*، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۱۱۹-۱۴۸.
۴. پالمر، فرانک (۱۳۷۴)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر نو.
۵. جلالی، جلال الدین (۱۳۸۸)، «ضرورت شناخت و کاربرد انسجام و پیوستگی در ترجمه انگلیسی قرآن کریم»، *دوفصلنامه ترجمان وحی*، شماره ۲۵، صص ۱۵-۵۱.
۶. خامه‌گر، محمد (۱۳۹۷)، «نقد و بررسی نظریه بسط متن در تحلیل انسجام متنی سوره‌های قرآن بر اساس دیدگاه حسین عبدالرئوف»، *فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۳۶.
۷. زانوس، احمد پاشا، و مریم نبی‌پور (۱۳۹۶)، «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)»، *پژوهش‌نامه معارف قرآن*، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۸۱-۱۰۱.
۸. سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰)، «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان قضه نردبان»، *فصلنامه زبان پژوهی*، شماره ۴، صص ۵۱-۷۷.
۹. سیدی، سید حسین و سمیه بیگ قلعه جوقی (۱۳۹۸)، «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس بر اساس الگوی فرانش متنی هالیدی»، *پژوهش‌های ادبی قرآنی*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۱۰-۱۲۹.
۱۰. شاهپری، علی و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی نقش عوامل انسجامی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن (بر اساس الگوی هالیدی و حسن)»، *سراج منیر*، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۷-۴۲.
۱۱. صحرائی، رضا مراد، و نصرتی موموندی (۱۳۹۳)، «بررسی روابط متنی قرآن (مطالعه موردی سوره احقاف)»، *سراج منیر*، سال ۵، شماره ۱۴، صص ۶۷-۸۸.
۱۲. فقی، صبحی ابراهیم (۲۰۰۰)، *علم اللغة لنصی بین النظرية والتطبيق*، قاهرة: دار قباء.
۱۳. لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۵)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، چ ۷، تهران: نشر دانشگاهی.
۱۴. مختاری، قاسم، و مهرانگیز خدابخش‌نژاد (۱۳۹۷)، «تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی (بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی ام)»، *دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۶.

۱۵. مرآت، مرجان (۱۳۹۰)، «انسجام واژگانی در قرآن، بررسی سوره نور»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۷، شماره ۶۵-۶۶، صص ۲۹۶-۳۳۳.
۱۶. مسبوق، مهدی، و شهرام دلشاد (۱۳۹۵)، «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی علیه السلام با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۱۴-۱۲۹.
۱۷. مصلوح، سعد (۱۹۹۰)، *من نحو الجملة إلى آخر النص*، ترجمه نجم عبدو بدوی، کویت: بی‌نا.
۱۸. ملاابراهیمی، عزت و فاطمه قهرمانی (۱۳۹۶)، «ارتباط تناسب و انسجام صفات پایانی با محتوای آیات در سوره شعراء»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، سال ۲، شماره ۲، صص ۳۱-۶۲.
۱۹. مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶)، *به سوی زبان‌شناسی شعر؛ رهیافتی نقش‌گرا*، تهران: نشر مرکز.
۲۰. نوال (۲۰۱۲)، *أثر التكرار في التماسك النصي مقارنة معجمية تطبيقية*، ریاض: جامعة الاميرة.
۲۱. ولینی، یونس و دیگران (۱۳۹۵)، «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، *دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۹-۸۶.
۲۲. هالیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: سپاه‌رود.